سال دوم-شماره ۱۶۶ صبح یک شنبه ۱۸ تیرماه ۱۳۲۴ تك شماره یکریال ونیم

آذیر

وارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراك »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

بهای اداره:
(خیابان خیام جنب کوچه حمام پاك)

آذیر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

مقاله وارده

مجلس و نمایندگان تبریز

خطاب بآقای پیشه وری نماینده مردم تبریز

آقای پیشه‌وری ما می‌دانیم شما برای چه در خصوص اشکالاتی که برای اعتبار نامه نمایندگان آذربایجان پیش آمده است چیز نمی‌نویسید این از نقطه نظر شخص شما که نمیخواهید روز نامه وا برای مدافعه از حقوق شخصی خود بکار برید شاید مورد اعتراض نباشد . ولی فراموش نکنید که شخص شما امروز یك فرد عادی نیستید شانزده هزار نفر آذربایجانی بشما رای داده به نمایندگی خود انتخاب نموده‌است شما اگر ساکت بنشینید بوظیفه وجدانی خود عمل نکرده‌اید وانگهی می‌دانید اگر شخص شما سمت نمایندگی تبریز را نداشتید روزنامه آذیر امروز در راس علم‌داران مبارزه کننده آذربایجانیان قرار گرفته بود ما میخواستیم شخص خودتان باقلم خود از حق مشروع موکلین خود مدافعه بکنید آذربایجانی عذر شما را نخواهد پذیرفت باید حقایق را بنویسید پرده از روی قیرلك وحباه وتلوزیر مفرضین برداشته آنها را بمعامه معرفی نمائید . خودتان از هر کس بهتر می‌دانید که اگر مردمان غیور تبریز در شخص شما شهامت و فداکاری سراغ نداشتند هرگز حاضر نمیشدند باآن همه احساسات که هنگام اخذ آراء مشاهده گردید بشما رای بدهند . قتل خاموشی را شکسته وارد میدان نبرد بشوید صدای رسای تبریز را بگوش مجلسیان برسانید . ملاحظه ومحافظه‌کاری فائده ندارد . مردم تبریز در هر حال پشتیبان نمایندگان خود بوده وخواهند بود . تبریزی میهن‌پرست هرگز بتوهین وتحقیر تن نداده ونخواهد داد .

نمایندگان دیگر

آذربایجان

آقایان نمایندگان شهرستان های آذربایجان! تبریز بانگرانی منتظر اقدامات شماست . کوچکترین تردید ضعیفترین تزلزل باعث بدنامی همه شما خواهد بود . موقع آزمایش است نظر های خصوصی وطبقاتی را باید کنار گذاشت دست اتحاد و یگانگی فیرومند است باید باهم باشید برای آذربایجان بنام حفظ آبرو وحیثیت آذربایجانی باهم یکی شده نگذارید مفرضین وماجراجویان از اختلاف نظر باز عدم اتحاد شما استفاده کرده دمن آذربایجانیان را لکه دار کنند . ما وکیر تحمیلی نداریم ما دست عمال دولت را پس‌زده از روی ایمان وعقیده از طبقات مختلف شهر نماینده بر گزیدیم ولی مفرضین می‌خواهند رنگی بروی نمایندگان ما بگذارند آذربایجانی غیور از تبریز بهتر میداند که چه بگوید و چه بکند . ما از جریان انتخابات شیراز و خراسان و کرمان و رد و مجلات وشاه‌رود وسایر شهرستان‌ها بی اطلاع نیستیم و نداریم تبریزی آده‌های خود را می شناسد ومی‌داند کی‌ها را برای چه کاری انتخاب کرده‌است . شما وظایفه مجلسیان را از وخامت قسمی که برداشته‌اند مطلع بکنید . رود بکی باچند نفر از نمایندگان تبریز بسهولت عملی نخواهد شد . تبریز امروز غیر از تبریز سه سال پیش است سیاست نحس دوره دیکتاتوری بایدیه خاتمه پیدا بکند . تبریزی کاسه صبرش لبریز شده است تبریز تمام کلاه های تهران را باظهر بدینی میشکند . شما نگذارید مردمان فتنه جو آتش نفاق تولید کرده تفسیر رابکردن آذربایجانی ها بیندازند .

اعتبار نامه آقای خوئی

آقای خوئی یکی از تجار بسیار بزرك تبریز است . در شهر دردهات دهه‌ها نفوذ واعتبار دارد . یك آدم بد سابقه هم نیست خانواده خوئی یك خانواده آبرومندی‌هم هست . ما نمی دانیم برای چه او نمیتواند از طرف آذربایجان مخصوصا از تبریز وکیل بشود چه عیب وایراد قانونی ممکن‌است مانع این کار باشد . تمول و دارائی و داشتن کارخانه که عیب نیست . وانگهی که گفته است که ای ممتنع حتما رای مخالف باید شناخته شود اگر این‌طور باشد کوه‌ای ممتنع معنی ندارد . اگر امتناع کننده می‌خواست رای مخالف بدهد که از رای دادن امتناع نمیکرد ممتنع میخواهد بگوید در انتخاب نظری ندارم .

مطلب برای من روشن نیست از چق رای خود نمیخواهم بر خلاف وجدان خود استفاده نمایم .

وانگهی شنیده ایم در مجلس این موضوع سابقه‌دارد . در دوره دوم برای ممتنع رای بیطرف حساب کرده برای آن ارزشی قائل نشده اند در این قبیل موارد باید برای رئیس مراجعه کرد رای رئیس جلسه در هر طرف باشد در رای محسوب میشود و اهمیت واوزش فوق العاده دارد .

در هر صورت باعتبار نامه آقای خوئی یك بار دیگر باید رای گرفته شود .

جریان انتخابات

جاهای دیگر

مانمی خواهیم جزئیات وارد بشویم . اگر بنا باشد همت بگیرند گان نمی کنم در شهر کسی باقی بماند .

ما از جریان انتخابات شیراز و خراسان و کرمان و رد و محلات وشاه‌رود وسایر شهرستان‌ها بی اطلاع نیستیم پرونده های پر از ایراد همه نمایندگان هنوز در بایگانی مجلس چهارده حاضر است روش انتخابات تهران و کوپن بازی سجل درست کردن واتهامات گوناگون همه‌هست از این نرفته و صلاحیت اغلب نمایندگان نامبرده راهم بخوبی در خاطر داریم معروفیت محلی اغلب نمایندگان شهرستان هاهم مانع چشم‌ماست تهدید و تطمیع و دعات سهولی هاو تمنی ها وسایر عمال درپس‌هم کارهای پنهانی نبوده است .

چطور شده بکدرتبه همه را فراموش کرده بر علیه نمایندگان تبریز قیام نموده‌اند ؟

ما بچه نیستیم می فهمیم می دانیم اشخاص را میشناسیم ومی دانیم از کجا ها آب میخورند وبرای چادر این موقع باریك می خواهند آذربایجانی هارا صحبانی بکنند . واز گل آلود کردن آب چه منظور های تاریك و مخوفی دارند .

ما اگر نتوانیم از حق خود دفاع بکنیم از میهن ومملکت هم هرگز دفاع نخواهیم کرد .

صلاح آقایان نمایندگان مخالف در این است که از سودای خیام تحریك احساسات مردم آذربایجان بگذرند و بگذارند مردمان زحمت کش آنجا با مشقتی و رنجهائی که دوره بیست ساله دچار شان کرده است بسازند و الا آذربایجانی دستش چلاق و زبانش لال نیست می تواند بتنها روی آب وبخته مشت همارا باز کرده جریان انتخابات استانهاو شهرستان هارا از روی اسناد و مدارکی که در دست دارد شرح و بسط داده سیمای حقیقی مفرضین را در نظر عموم ابرانیان بلکه در پیش چشم تمام ملل عالم مجسم نماید .

بهتر است آقایان سر جای خود بنشینند بیشتر از این ایران و ایرانی را در نظر خودی و بی گانه مفتضح نمایند .

اما انتخابات تبریز

آقای پیشه وری ما انتظار داریم شما شخصا دومجلس شورای ملی جریان انتخابات تبریز را شرح بدهید .

تا معلوم شود تبریزیان این‌قدر هم بچه نیستند قدر وقیمت آزادی وحقوق خودرا بهتر می دانند در این راه احتیج هم بآزمایش ندارند .

شما میتوانید ازروی مدارك ثابت بکنید که مردم تبریز در جریان همین انتخابات دوره چهاردهم از تمام جاهای دیگر ایران بهتر امتحان داده اند شما میتوانید اسامی اشخاصی را که سهیلی ها و تدین هاوسر لشکر مقدم شما می خواستند بمردم تبریز تحمیل بکنند فاش نموده ثابت بکنید که نماینده گان امروزی تبریز علی رغم دخالت های نا مشروع دولت انتخاب شده اند .

شما میتوانید چشم و گوش نمایندگان مجلس را باز کرده واز روی همان پرونده که در دست وس شماست ثابت بکنید که انتخابات تبریز پاکیزه‌ترین طرزی انجام پذیرفته و در جریان آن شدیدترین مبارزه بعمل آمده است شما میتوانید اسامی کاندیداهائی را که از دویست تجاوز میکند باآرائی که در شهر ودر اطراف باسم هر کدام از آنها در آمده است به آقایان نماینده گان نشان داده ثابت بکنید که انتخابات تبریز کاملا روی اصول دموکراسی بوده است .

شما میتوانید بیانیه و اعلامیه های بیعد و شماری را که در دیوار شهر تبریز وشهرستانها را پر کرده بود جلو روی نماینده گان پخش کرده بآنها بفهمانید که در انتخابات تبریز شعبده وچشم بندی غیر ممکن بوده است .

شما شخصا میتوانید فعالیت شخصی خود وسازمانهای هشتگانه ملی ودوستان صمیمی خود را شرح داده بآنها حالی بکنید که چه کسانی روی چه احساساتی بشخص خودتان رای داده وروی چه امید وآرزوهائی شمارا بمجلس شورای ملی فرستاده اند .

شما بگوئید که شانزده‌هزار موکلین شما حاضرند پای پیاده بتهران بیایند و بمجلسیان ثابت بکنند که در انتخاب شخص شما وسایر نماینده گان از روی بصیرت کامل ازروی میل ورغبت وایمان رفتار نموده اند .

آقای پیشه وری سکوت شما مارا سخت عصبانی میکند .

طوریکه گفتیم اینجا شخص شما نیستید که معرض تیرهای وهدف حیله و تکوبر زیرجاکی واقع شده‌اید در اینجا آبرو وحیثیت موکلین شما درخطراست شما مجبورید برای حفظ آبرو وحیثیت

باقی در صفحه ۲

بمناسبت نهضت خند. آور یکی از زهاد

آقای مدیر من خودم مشاهیر دراثر مشاهده رستاخیزی که آقای زاهد درحضرت عبدالعظیم آغاز کردند بهوس افتادم وضع وقیافه وحرکات ایشان را در چند بیت مجسم کرده برای خوانندگان آذیر بارمغان خودتان میدانید نه طبع شاعر بر کش است گاهی اتح کرده سواری نمیدهد این بار هرچه من کردم بیشتر لجاجت بخرج داده رام نشد نفس گرمم در آهن سرد اوتاثیری نبخشید بنای طناری را گذاشت هرچه من پیش رفتم او نخوردا عقب کشید . مثل اینکه در عمرش باهن آشنائی هم نداشت مانند یاسوی چوش الکلهاندازی آغاز کرده مثل دلبران طناز کهنه‌کار بنای بوغانی را گذاشته گفت اصلا من ترا نمی شناسم و هیچگونه انس و علاقه و سر و سری مابین ما نبوده از هوس خام شاعری در گذر مرا که دلم در گرو دیگری است بحال خود بگذار .

من که میدانی اهل هوس و ذوقم از این بدشانسی خیلی متاثر شده رفتم بکتابخانه خود پناه برده گفتم بهتر است خودرا باخواندن چیزی مشغول نموده هرچه آخرونه وآخوند زاده است فراموش بکنم .

اولین کتابی که دستم آمد دیوان شادروان ادیب الممالك بود بیا کمال خوشوقتی باز کردم در صفحه ۴۱۶ قطعه زیر نظر مرا جلب کرد خواهشمندم بفرمائید آیا شعری مناسب تر از این می شود گفت .

ابوالحسن ری زاد

قطعه

ساری پس دانه سپر میکرد
تا که تله بدید در دشت
گفتش الف قدت چرا شد
گفتا شب و روز سجده دارم
گفتش زچه روی استعواث
گفتا ز ریاضت است اینسان
گفتا زچه این طناب بشمین
گفتا که شعار فقر باشد
گفتا که بدست اندر این چوب
گفت ای پسر این عصای پیری است
گفتا بکف تو دانه ازچیست
گفتا ز برای مصنعتی است
گفتا به منش به بخش اینك
چون خواست ربایدش زهر سو
گردید اسیر و شد گرفتار
فوقی زد و گفت آه افسوس
این است سزای آن که گردید
اینست جزای آن که دل بست
ای اهل زمانه پند گیرید
شعر است و بزید اینکه بینید

در دان کوهسار و هامون
با قامت کوژ وپشت وارون
چون پیکر دال و قامت نون
بردرگه کردگار بی چون
از پوست همی شداست بیرون
کاهیده تنم بسان مجنون
شد بسته به پیکر همایون
بشمین چو طراز شاهی اکنون
از چیست چو گرزه فریبون
کش دهر خمیده قد مرزون
چون خوشه بکشتزار گردون
تا صدقه دهم بر او همیدون
گفتا ز منش بگیر اکنون
زد چینش بال بر او شیبون
افتاد بدام و گشت مسجون
کاین جمله فسانه بودو افسون
بر زاهد خرقه پوش مفتون
بر زهد مراثیان ملعون
از حال نگار این جگر خون
در کسوت با زید و ذو النون

دوشینه بدیك، بودمرهون

کی پاك کند شعار صابون

از دیوان مرحوم ادیب الممالك فراهانی صفحه ۴۱۶

شعار قلیائی است که در ساختن صابون بکار میبرند

پیرا از مصایب اعزامی که بایران بر گشته استفاده نمی کنید

در سالهای اول سلطنت رضا شاه اعزام محصل بخارجه یکی ازتظاهرات برتبور بوده . البته در حکومت سفاك جسته گریخته گاهی اوقات کارهای نافع و مهم باید انجام گیرد اما نه بمنظور تامین نفع عمومی و آسایش خلق بلکه برای اینکه تظاهراتی شده باشد واستفاده از آن نموده و دوام حکومت جور و ظلم طولانی گردد و بهمین جهت این کارها همیشه بی مضائقه و بعجله و بدون هدف عالی شروع می‌شد نتیجه‌ای هم برای ملت از آن حاصل نمی شد .

روانه نمودن محصلین هم همانطور که گفتیم یکی ازین تظاهرات بوده و در طرز اجرا هم نقائص بسیار موجود بود ولی رفتن فانون اعزام محصل بخارجه چرا میگردید در جرایده و مجافل خیلی سروصدا بیاشد اینهاراکاروان علم و دانش و قافله تمدن و فرهنك و خیلی چیز های دیگر خواندند وبملت وعده‌ها دادند پدران و مادران هم نور چشمان خود را بامید تهیه رجال و خدمت بملت دور از خویشتن بدیار بی گانه فرستادند

من از معذت هائی که خانواده ها از دوری فرزندان خود تحمل میکردند چیزی نمیگویم و بانها کمامیه رنج کی خویش وا در خارجه‌ا در دست دادند یعنی بیرك جوانان خود دور از وطن گرفتار شده کاری نداریم ولی آن چه مسلم‌است پدران و مادر ن بادلی لرزان وپراز عشق ویکدنیا امید دوری فرزندان را تحمل کردند و ملت ایران هم با رنج فراوان مخارج تحصیل محصلین چون خود را برداشت نمود و هم بابریا وبارودور عالم خیال آینده این جوانان را تصور نمود

باقی در صفحه ۲

www.iran-archive.com

مطبوعات داخله

مردم برای روشنفکران

شماره دوم مردم هفتگی با (مردم برای روشن فکران) میان روزنامه های آلی که برای مبارله باداره آذربایجان فرستاده میشود نظر مرا جلب کرد. من روزنامه مردم دیروز را باندازه پرستش دوست میداشتم قلب من باشتیاق زیاد تپش میکرد اگرچه ازهمان روز اول تصمیم دستهای نامرئی ارتجاع براین بود که مردمیرا روزنامه فروشان هرگز صدا نزنند و به روزنامه خوانان مانند سایر جرایدی عرضه ندارند باوجود این بهر وسیله بود اسم مردم بگوشم میخورد از شنیدن آن لذت میبردم مردم نخستین روزنامه آزادیخواه وضد فاشیستی بود که بعد ازسقوط کابینه استبداد ازطرف آزادیخواهان رخ دیده منتشر گردید. نویسندگان مردم اولین دسته ازجوانان روشن فکر و فداکاری بودند که باهوز و جدال و اتهامات عناصر ضد آزادی و تظاهرات گوناگون فاشیستی وستون پیچم وقعی نگذاشته باکمال وشدت کار خودرا تعقیب میکردند وافکار خودرا بدون بیم وهراس بروی کاغذ آورده در دسترس مردم میگذاشتند.

همه اینها دلایل هادی است که اغلب خوانندگان برای محبوبیت آن میتوانند اظهار بکنند ولی من خودهم نمی توانم بطور صریح بگویم برای چه مردم را دوست میدانستم و آنرا ازروی احساسات میخواندم هرچه دوآن نوشته میشد برای آن خوب بود.

مردمان میهن پرست تبریز محبوبیت وخودپسندی و مناعت را کنار گذاشته با توانائی قلمی وزبانی که ازشما سراغ داریم وارد میدان نبرد بشوید. خودتان ازهمه بهتر میدانید که عناصر یک میهن پرست تبریز پشتیبان شما بوده و خواهند بود. ما یقین داریم احساساتی که هنگام انتخاب خودتان از طبقه زحمتکش تبریز مشاهده کرده اید از نظرتان محو نشده است.

غفلت نکنید پیش بروید. اغفال شدگان را بیدار کنید سره نه غش را برای بعضی ازنمایندگان پیش آمده است مرتکم امیدوار ما آرزو داشتیم پیدایش نمایندگان تبریز در مجلس شورای ملی تاثیرات عظیمی بخشیده مفتن و دو دلگی و بدبختیهای بی هدف را ازبین برد. میان نمایندگان وحدت ویگانگی ایجاد بکند.

مازوخاست اوضاع کشور خودیی اطلاع نیستیم. ما ازمجلس پیچاره انتظارات بسیار وسیع بود.

جنگ عالمگیر دارد تمام میشود. فردا فقط بواسطه وحدت و یگانگی نمایندگان است کشور ما میتواند دو مقال ممالک دیگر عالم عرض اندام بکند.

محبوبانبود منافقین ودشمنان وحدت ملت ایران

ازطرف جمعی ازآذربایجانیان مقیم تهران *

* کشائی تبریزی، رضا صدیان خوئی، احمد گوشه‌ده اردبیلی، کاویان، عباس خلخالی، مهندس شیفته ماکوئی صنعائی شاهسون، رمضانی اهر، احمد محمود مراغه.

از طرف جوانان میهن پرست تبریز علی آقای مهدی‌زاده، ابراهیم منصور بهشتی، شمس الدین میهن دوست تبریزی.

چرا از محصلین اعزامی

که به ایران برگشته استفاده نمی کنید

بقیه از صفحه اول

و اما محصلین بجز عده معدودی که به تنبلی گذرانیده وقبل از موعد بایران روانه شدند و از همان وقت دشمن عام و دانش وفرهنگ گردیدند نقیه باستعداد کامل و سعی وکوشش فراوان به تحصیل پرداختند و باید گفت ثابت نمودند ایرانی لایق است خیلی هم لایق است و یا سایر ملل شرق زمین که دور از قافله تمدن مانده اند تفاوت بسیار دارد و در کار و جدیت و فهم ازافراد ملل متمدنه عقب نمی ماند ولی باطوری گرفتار شده است

باری پس از چند سال محصلین دسته دسته مراجعت میکردند و کم کم موقع آن فرا رسید که چرخهای حساس مملکت بدست این دانایان دنیا دیده سپرده شود و تحولی در اوضاع پدید آید وهمه بایی صبری انتظار تغییراتی را داشتند بجز آنها که میدانستند باصطلاح زیر ان کاسه نیم کاسه است و دستگاه ظالم وجور از این جوانان قبل از آن که تحصلات راتکمیل کرده باشند ودرموقع عزیمت بخارج استفاده خود را برده و حتی ازطلاق ساعی است که اینها را بی ثمرو دلسر سازدو دولت خیالی هم از این محصلین وحشت دارد

نقشه شومی طرح شدوخواجوانانی که برگشتند بودند بر سر کارها گماشته شدند اما چه کارهائی ! . پس ازهشت نه ماه که مقدمات استخدام آنها بجار بوروکراتهای های بی انصاف بود عاقبت سر افرازشان کرده و ماهی پنجاه تومان حقوق به آن ها پرداختند وهر وقت میآمدند از وضع خود گله گذاری کنند همان بوروکرات ها که موقعیت

بقیه از صفحه اول

درانی سبک مخصوص خود بود که توانسته است گلیم خودرا از آب بیرون کشیده نتیجه بگیرد شاید عدم موفقیت طبری بواسطه مطبوعاتی باشد نمیتوانم ادعاکنم باشد اگر وقت وفرصت زیاد داشتم حتما بهتر میتوانستم از عهده برآیند بهرحال در مقاله نامبرده اشتباه واندیشه ها ومطالب بیشتر خبط وخلط ایران جبهه‌ادبی پیدا کرده است حقش بود نویسنده وخوانندگان روشن فکر را درنظر میگرفتند. این مقاله برای روشن فکران ضعیف است برای توده مشکل باوجود این اولین قدم را خوب برداشته‌اند.

آقای طبری در استعمال کلمات خارجی هم بسیار زیاده‌روی کرده‌اند برای روشن فکران هم باشد بکاربردن کلمات غیر مانوس خارجی خوب نیست درصورتی که بدون آن هم مطلب فهمیده میشود کلمات: (فلوس میتولوژیست ، پرژه‌دوره ها ، رکماتیسم ، تراد‌سیو الاسیم) مثل خواننده‌را میترساند ونویسنده را بفضل فروشی متهم میکند. بکار بردن حروف لاتین هم خیلی لوس بنظر میآید مردم برای روشن فکران بقدره ما نباید بربان هم اهمیت بدهد . و نویسنده کان سعی کنند مطالب علمی رابازبان ساده وزنده‌تر بفهم بیان بکنند و فراموش نمایند که اغلب روشن فکران ما درمسائل اجتماعی از گروه موادها خیلی جلوتر نیستند

مقاله آقای انورخامهٔ هنوز مقدمه است بنابر این روی آن اظهار عقیده میکردم باوجود این ازطرز انشاء پیداست که ایشان نظر بدقت قاعده دنیا ایستم‌خیالی هم بمراحله موزن انتقاده قرار بدهند چاره نیست باید نتیجه را منتظر شد.

یک هواپیما و یک شهر

مطبوعات معظمی که در فرانسه منتشر میشود اغلب ابلاغیه های آلمانی ها را که شکست ها و تلفات ارتش خود را پنهان میدارند مورد استهزاء قرار میدهند. مثلا روزنامه «کولوآ» ابلاغیه زیر را نمونه ای از ابلاغیه های اخیر سرفرماندهی ارتش آلمان را بشرح زیر منتشر کرده است : « دیروزارتش آلمان دربلاغتر شهر کیو به یک موفقیت دفاعی مشمشی نایل آمد و دشمن که از حیث عده وتسلیحات بر ما تفوق داشت مجبور شد در جبهه مرز لهستان عقب نشینی اختیار کند. درجبهه باختر نیروی هوائی انگلستان کوشش کردند که به بامبورگ حمله کنند ولی سه آتش توپخانه ضد هوائی ما حریف را ناگزیر کرداز این نقشه صرف نظر کرده و بمب های خودرا در برلن بریزد . » جای دیگر روزنامه فرانسوی مزبور ابلاغیه فوق‌العاده بمضمون ذیل منتشر میکند «دشمن در جنگ هوائی ۹۹ هواپیما از دست داد تلفات ما عبارت بوده است از یک هوا پیما . . . ویک شهر»

از مطبوعات خارجه

خود را متزلزل میدیدند مخارج گزافی که برای آن ها شده بود : برخ می کشیدند .

اینها غالبا کارها شان با حقوقی که میگرفتند متناسب بود جز آن ها که باستادی دانشگاه بر گزیده شدند این دسته ظاهر خوشبخت تر بودند چه از لحاظ معنی لااقل کار آبرومندی داشتند

نتیجه این نقشه معلوم است جوانانی که ازدور گران برنگشتند کم کم وصدد برمیآیند در دستگاههای غیر دولتی وارد شده و لااقل زندگانی روزانه‌را طوری بگذرانند. درینهدوری گرفتاری زندگی گردیدند که همه‌چیز از یادشان رفت و این هم مطلوب و هدف اداره کنندگان مملکت بود .

با وجود این باز بعضی هاباصدف ویا در نتیجه همدستی کار وبارپارهائی که فرض کنید در دستگاه دولت بست های نسبة عالی بدست آوردند و من شنیده ام که واقعا بعضی از آن ها نشان دادند که شایسته وکاردان میباشند.

اما افسوس که این جوانان کاردان در دوران دمو کراسی بجای اینکه جبران دوره دیکتاتوری بشود بکمرتبه دچار طوفان منشور شدند حالا بروید در ادارات دولتی و به‌بینید آن همه‌معدودی که زحمت بقام‌عالی رسیده بودند چه میکنند و در اثر این طوفان بکجاافتاده اند. شما هرچه میخواهید بگوئید ولی کسی که تحصیلات عالی دارد حاضر نیست زیردست مستشار خارجی که‌معلوم نیست چه تحصیلاتی دارد بخدمت کمر بندد

فقط خارجی بودن کافی نیست انسان ممکن است خارجی باشد اما بیدانش یا خارجی باشد اما استاد، عالیقدر متناهر کس که خارجی باشد دانا و کار دان نمی شود .

این کاش در اول کار ازاین جوانان که با یکدنیا امید ورنج برای مملکت تهیه شده اند استفاده میشد و ازلوهای کارها را بدست گیرند تا در موقعی که جبهه ملل در اندیشه آینده خود بوده وبرای نجات بشریت از هیچ چیز مضایقه نمیکنند مجلس دولت و افراد ملت ما در این میانه ایام کرایه را صرف و تماشای جنگهم بامستشاران امریکائی میکردند.

هنوزهم وقت نگذشته است شما بایر جوانان بیمیگوئید بدوان ومادران

تلگرافها

از تبریز

فوری مجلس شورای ملی رونوشت نخست‌وزیر رونوشت دکتر مصدق رونوشت دکتر کشاورز رونوشت دکتر شفق رونوشت دکتر راد منش رونوشت آذربایجان رونوشت رهبر رونوشت مردم رونوشت ایران رو نوشت بهر ایران رو نوشت مرد امروز رونوشت شطارو رو نوشت فرمان تعلل درتصدیق اعتبار نامه آقایان پیشه وری ایلخچیان بمنزله تضییع حقوق و آزاد و خصوصیت کار گران و زحمت کشان آذربایجان است تعاد به کار گران و برزگران روشن فکران آذربایجان به اشکال تراشی های مغرضانه ارتجاع اعتراض و تقاضای فوریت تصدیق اعتبار نامهٔ آقایان نامبردگان راسریعا خواستار وبرای دومین بار خاطرنشان مینمایند کوچکترین مسامحه درابنمورد عواقب بسیار وخیمی را نشان خواهد داد مقامات صلاحیت دار و مسئول باید بیش از این بساحسات مقدس صف مظلوم وطبقه زحمت کش آذربایجان با نظر احترام توجه نمایند و ضمنا به عناصر ارتجاعی مجلس صلاحیت قائل نیستیم که مقدرات آذربایجان وآذربایجانی که موجد حکومت ملی وپارلمان نظر است بازی نمایند. اتحاد و کار گران آذربایجان

نخست وزیری رو نوشت کمیته مرکزی حزب توده ایران کمیته فراکسیون توده مجلس کمیته نامه رهبر کمیته آزبر توسط رهبر جبهه آزادی دربرو تلگراف مورخه ۳۰ خرداد مالیه وبعض دفاتر از شاهرود هیچ اقدامی برای رسیدگی به خسارات وارده‌از نیرک نموده تقاضای دستور فوری را داریم. ارمین شاهیان

از لاهیجان

حضرت آقای آقاشیخ حسین انگرانی نماینده محترم مجلس شورای ملی ۱۲ رونوشت مجلس شورای رو نوشت آقای ساعد نخست وزیر رونوشت وزارت کشور رو نوشت آزادگان دماوند اعداد نجات ایران اطلاعات آزبر فرمان آزاد میهن پرستان رونوشت اردبیل جودت رو . تلگرافات شرح جوان انتخاب جناب عالی را که نمونه موفقیت بزرگی برای جبهه ملی و آزادی خواهان کشور است بعموم اهالی ایران خصوصا باهالی حساس شهرستان اردبیل تبریک گفته موفقیت حضرت را برای خدمت بمیهن رفاه ایران از خداوند متعال مسئلت مینمائیم سر وفتر شفیعی، محمد رضی وکیل دادگستری سیدمطهری احمدخسروی آزاد سر و اشریف عسکری عنایت خسروی محمد حسین مشکوی رضا مشکوی علی فتحی ثابت حسین بزرگ بشر علی رخاوستکار سنجر کاظمی رستکار اعتمادی ابوالقاسم حسین پور محمد مهدی کابوانی خشنود اسمعیل رحمانی علی جمشیدی .

از ملایر

آقای شیخ حسین انگرانی رو وشت حزب توده ایران رهبر آزبر مردم ملایر دماوند انتخاب جناب عالی را ازطرف آزادی خواهان اردبیل صمیمانه تبریک عرض می کنیم سعادت آزادی خواهان ایران راازدرگاه پروردگار خواستاریم کمیته محلی ملایر دهقان

آن‌ها وملت ایران که مطارح تحصیلو تربیت آن‌ها را برداخته است چه‌جواب میدهید . پس‌اعزام محصل بخارج چه معنی داشت اگرآن‌روز آن‌همه‌ارامعطور از کار کنار گذاشتند و گرفتار غلیان گردید امروز چه بهانه‌ای دارید .

آیا این حکومت دنباله همان حکومت نیست که حالا بحال احتضار افتاده است؟

مهمترین اخبار جهان

عملیات هوائی نیروی شوروی

مسکو - خبرگزاری رویتر خبر می دهد اعلامیه که امروز از طرف اداره اطلاعات شوروی انتشار یافته چنین حاکی است - شب هفتم زوبه هواپیما های ما بر اگر راه آهن برستلیتوسک ودونیتسک حمله بردند وضاعتطارهای نظامی وانبار های دشمن را بمباران کردند .

هنگامیکه هواپیماهای ما مشغول حمله بودند دوازده قطار نظامی در ایستگاه برستلیتوسک قرار داشت وبسیاری از این قطار ها بدست بمبهای ما آسیب دید و حریق در ایستگاه روی داده و انفجار شدید نیز صورت گرفت .

در دونیتسک هواپیمای ما قطارهای مسافری وکالاها بمباران کرد وبسیاری از قطارهای نظامی وانبارها طعمه حریق گردید و خلبانان ما در انفجار سخت را مشاهده کردند مخازن مواد سوختنی و انبارهای کالا نیز منفجر گردید و تقریبا تمام ایستگاه طعمه حریق شد .

آغاز تخلیه پاریس

لندن - خبرگزاری رویتر خبر می دهد که محافل فرانسوی مقیم لندن اطلاع یافته اند که آلمانها مشغول تخلیه ادارات خود از پاریس به پاس میباشند این تخلیه از چند روز پیش آغاز گردیده و تاکنون بایگانی اداره آگاهی آلمان وسازمان نوبت وسازمان بازرسی اقتصادی تخلیه گردیده است .

تلفات نیروی هوائی آلمان

لندن - خبرگزاری رویتر خبر می دهد ضمن رزمهائیکه بسرفراز مراکز آلمان صورت گرفت تلفات آلمانیها بالغ بر ۱۱۴ هواپیما گردید که ۷۵ تای آن بدست شکاریها و ۳۹ تای دیگر بدست بمب افکن های ما سرنگون شد تلفات متفقین بالغ بر ۳۶ بمب افکن و ۶ شکاری گردید .

کتاب

همسایه شوروی ما

بقلم

دکتر برنو

بهترین کتاب برای شناسائی کشور اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۶ر۷ر۱۳۲۲ آقای مصطفی کربلائی عبداله بشناس نامه شماره ۱۸۳۸۷ با استناد بکبرك گواهینامه و روزنوشت شناسنامه داد خواست بشماره ۲۲ر۲۴ر۴۴۸ داده باینکه ربابه رسولی عراقی فرزند اسکندر در تاریخ ۲۸ر۱۰ر۱۰ در تهران جایگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به دو نفر پسر بنام مصطفی کربلائی عبداله متقاضی و مرتضی رسولی عراقی بشناسنامه شماره ۴۵۶۹۸ غیر از دو نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یك بار در مجله رسمی آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

ش ۳۲۷ — نوبت دوم بتاریخ ۱۸ر۴ر۲۳

دادوس شعبه ٤ دادگاه تهران احمد زرین فصل

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۱ر۳ر۱۳۲۳ آقای غلامحسین بلوئی بشناسنامه شماره ۱۵۲ باستناد بکبرك گواهینامه وروزنوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۳ر۱ر۲٤۵ داده باینکه محمد قاسم بلوئی دارنده شناسنامه شماره ۷۸ در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۲۲ در تهران جایگاه همیشگی خود فوت وحین الفوت ورثه متوفی منحصر به دو نفر پسر بنام آقای غلامحسین بلوئی متقاضی و آقای غلامحسین بلوئی به شناسنامه شماره ۷۹ و دو نفر دختر بنام بانوان کوکب سلطان و هاجر وخواتون بلوئی و یکعیال دائمی بنام بانو عزت قبراز ه نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از وصیت نامه رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت دوم ۱۸ر۴ر۲۳ — ش ۳۲۵

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - علی اکبر امامی هری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۰ر۳ر۱۳۲۳ با بو هفت دانش بشناسنامه شماره ۸۹۵۲ طبق تقاضا نامه شماره ۲۳ ساله ۹ر۱ر۱۳۲۳ باستناد بکبرك گواهی نامه ورونوشت شناسنامه تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم حسین دانش در تاریخ سی ام مرداد ماه ۱۳۲۲ در برلن جایگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر بیکدختر بنام بانو هفت دانش متقاضیه و یکنفر مادر بنام بانو فاطمه دانش غیر از دو نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یك بار در مجله رسمی وزارت دادگستری ویکی از روزنامهای مرکز باطلاع می رساند که هر کس نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی دارد درظرف مدت مرقوم تقدیم والا پس از انقضای موعد گواهی نامه صادر خواهد شد ونیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت دوم ۱۸ر۴ر۲۳ — ش ۳۲٤

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری .

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳ر۱۰ر۲۲ بنا بدرخواست حصر وراثت شماره ۲۰ر۲ر۵۸۹ که به این شعبه تقدیم شده آقای محمد حسن جعفر زاده دارنده شناسنامه شماره ۲۹ در تاریخ شهریور ۲۱ دوراه زاهدان فوت ومحل اقامت دائمیش تهران بوده و حین الفوت وارث منحصرش عبارت از بیعیال دائمی بنام صدیقه سادات و یك پسر بنام هوشنك تفصیل سه ماه ماهی یکبار آگهی میشود هر کس واخواهی ووصیتنامه دارد در ظرف مدت سه ماه بعد از انتشار نوبت نخستین آگهی بدهد ابراز هر گونه وصیت نامه بجز رسمی وسری بعداز انقضاء مدت از درجه اعتبار ساقط است

امین دادگاه بخش ۳ تهران - ابراهیم طاوسی طهرانی

ش - ۳۳۶ — نوبت اول ۱۸ر۴ر۲۳

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ٤ر۲ر۱۳۲۳ آقای منوچهر میرزا خسروانی بشناسنامه شماره ۳۱٤ باستناد بکبرك گواهی نامه و رونوشت شناسنامه داد خواست بشماره ۲۳ر۱ر۹٤ داده باین که حسینعلی میرزا خسروانی دارنده شناسنامه شماره ۳٤۲۷ در تاریخ ۱۵ر۱ر۱۳۲۳ در تهران جایگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به یك پسر بنام آقای منوچهر میرزا خسروانی متقاضی غیر از یکنفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیت نامه غیر از وصیت نامه رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت سوم ۱۸ر۴ر۲۳ — ش ۲۹۷

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

نگارش : (ز) — ترجمه : آ . پ . چخوف — کریم کشاورز

موژیک ها

همه ساکت شدند . چیزی نگفت که باز همان فریاد خشن و ممتد که گوئی از زمین بیرون میآید شنیده شد: «ماـ آـ ریا»

رنك از روی ماریا فروس اوشد خانه برید . خود را به بخاری چسبانید . مشاهده علائم ترس در وجنات این زن نیرومند تا زیبا که دارای خانه‌های پهن بود موجب شکفتی میشد . دخترش همان که روی بخاری نشسته و بهمه چیز می‌خندانید - نیا گهان صدای بلند گریستن آغاز کرد .

نیکلا که زن مشك ودلیر بود وشانه‌های عرض داشت و قوی بنظر می‌آمد فریاد زد: «زهرمار! تو دیگر چه میگوئی ـ آخر نمیگذاری که ما»

نیکولا از سخنان پیر مرد چنین استنباط کرد که ماریا میترسد در جنگل یا گیریاك زندگی کند ومشار الیهم وقتی مست می‌شود دنبال زنش میاید وهیاهو راه میاندازد و با بیرحمی تمام کتکش میزند . اینفکره صدای گیریاك از آستانه در کلبه رسید: «ماـ آـ ریا»

ماریا چنان نفس میزد که گوئی بناگهان توی آب سرد افتاده و باصدای گرفته میگفت: «هزیزانم ! شما را بخدا وساطت کنید . انجام بدهید !»

تمام بچه‌هائی که آنان را دید بودند بگریه کرد . صدی صرفهٔ مسئله شنیده‌شد و روستائی بلند قامت وسیاه ریش که کلاه زمستانی بسر داشت وارد کلبه‌شد . چراغ کوچك زرد ضعیفی پخش میکرد و مورت تازه وارد درست دیده نمیشد واز این جهت وحشت آور بنظر میرسید .

این مرد گیریاك بود . وقتی بنزدیك زنش رسید دست را بلند کرده ومشت محکمی بصورت مشار الیها نواخت . حتی صدائی هم از آن زن برنیامد . بنظر ضربه گیج کننده بود . نشست ولی الحال از بینی اش خون جاری شد . پدر پیر رفت روی بخاری وزیر لبی گفت : می‌بینی چطور اسباب خجالت میشوی - آن هم جلو مهمان ها ! »

پیرزن ساکت نشسته بود وفوز آورده و گویا در باره چیزی میاندیشد . فکلا نورا تکان میداد گیریاك که گویا از اینکه این خوف وهراس را تولید کرده است راضی بود دست ماریا را گرفته واز کلبه بیرون کشید ومانند جانوران مزدیده که وحشتناك تر بنظر آید - ولی در این هنگام چشمش بمهمانان افتاده وتوقف کرده زنش را ول کرده گفت :

«دها آمدی - برادر جان آمدی ؟ باخانواده آمدی ؟»

سپس در مقابل شمایل حضرت مریم دعائی کرد و ناو تلو خوران چشمان سرخ ومست خویش را باز کرده وچنین گفت :

برادر جان ، زن و بچه آمدی . ماچ ن خانوادگی برگشتی خوب از مسکو میآئی ؟ از پای تخت کن ، از شهر مسکو ، از مادر شهرها . . . بیائید . . . »

پولوی سماور بروی نیمکت نشست وشروع بخوردن چای کرد . همه ساکت بودند واو چاوزا توی امانیکی ریخته و باسر وصدا قورت میداد پس از آشامیدن ده فنجان چای بروی نیمکت لم داده وچش زد .

وقتیکه بخوابید ، نیکولا را که مرض بود بیاید پیر بالای بخاری جا دادند ، ساشا روی زمین دراز کشید و الکا با زنان وقتیکه توی انبار بخوابند ، الکا روی بوجه پهلوی ماریا دراز کشیده وگفت :

« عزیزم . ناشك رنج غصه نمیتوان کرد . صبر داشته باش صبر کلید همه چیز است . در باب مقدس آمده است که اگر کسی بیکطرف صورت سیلی بنوازد طرف دیگر را عرضه دار - آری عزیزم اینطور است » . مدرزمره کنان در باره مسکو و وضع زندگی خود وچطور درخانه هائی که پراز اثاثیه بود کفش میکرد صحبت کرده وچنین میگفت:

« در مسکو خانه های بزرك وجود دارد و همه از سنك ساخته شده اند - کلیسا هم خیلی خیلی زیاد است - چهل بار چهل تا کلیسا دارد . توی خانه ها هم همه اش اربابها زندگی میکنند . نمیدانی چقدر زیبا ومؤدب ومرتب هستند »

ماریا گفت که او تنها مسکو را ندیده بلکه هنوز پایش بسر کل لوك هم نرسیده . ماریا بیسواد بود وحتی دعا ونماز را هم بلد نبود . او وغروس دیگر نکلا که اکنون دوراز آنها نشسته وباین سخنان گوش میداد بسیار عقب مانده و کودن بودند و از درك هر چیزی عاجز بنظر می آمدند ، هر دو شوهرانشان را دوست نداشتند .

ماریا از گیریاك میترسید و هر بار که باو تنها میماند از ترس برخود میلرزید و صداح هلوشش میشد زیرا همیشه بوی تند عرق و سیگار از شوهرش می‌آمد آذیتش میکرد ، هر وقتی از فکلا میپرسیدند آیا دلش از شوهرش تنك نمیشود با لحن الله وهنائی جواب می داد : « برود گمشود ! » حرف زدید و ساکت شدند . . .

هوا خنك بود و نزدیك انبار خروسی با تمام قوا بانك میزد وصامح از خواب میشد .

وقتی روشنائی کبود رنك صبح از درزهای انبار نفوذ کرد فکلا بواشکی برخاست وبیرون رفت و بصدای پاهای برهنه اش شنیده شد . حلوز بود کجا می رود .

ـ ۲ ـ

الکا به کلبه رفت وماریا واهم باشود برد . از کوره راه ها پیروی چین سرازیر شدند وخردو شان بنظر می رسیدند . الکا شنید هوای آزاد ووسعت اراضی شده بود وماریا حس می کرد که جاریش از همه کس بارزه بکار وهر بار تر است . آفتاب بر میآمد . آن پائین لاشخوار خواب آلودی - خیلی پست - برون چین در پرواز بود . دودخانه هنوز در تاریکی قرار گرفته بود . اینجا وآنجا تکه‌های مه سرگردان دیده میشد ولی آنسوی رودخانه در انتهای سرپالائی یك خط روشن دیده میشد .

کاسیوم رسید ودر باغ از باب کلاغ سیاه‌هایش تابی تمام فریاد وفغان برخاستند .

ماریا برای الکا چنین نقل میکرد : « پیرمرده بد نیست ولی مادر شوهر خیلی خشن وپر مدعاست . همه‌اش دعوا میکند . تاعیه فصل خودمان گندم داشتیم و نان میکردیم حالا از دکان میخریم . زنیکه همه‌اش اوقات تلخی میکند و میگوید زیاد می خورید . »

الکا گفت : « عزیزم صبر کن - صبر مفتاح الفرج است . در کتاب مقدس آمده است که ای همه رنج دیدگان وصیبت زدگان بسوی من آئید . »

الکا باصدای متین و آرام سخن میگفت و راه وقتش شبیه بزائرین بود - سریع وهیجان آمیز راه میرفت .